



شنیدن کی!

ظاهراً در حدود سیصد نفر گنجایش داشت. این سقیفه در حدود سیصدمتری مسجدالنبی و در سمت شمال غربی آن قرار داشت و سعد بن عباده خزرجی که نامزد انصار برای خلافت بود، در نزدیکی آن زندگی می‌کرد و در این محل برای مشورت با بزرگان در امور مهم انصار حضور می‌یافت.»

در گام بعدی، دبیر باید کاری کند که دانش‌آموز بتواند واقعه را از ابتدا تا انتها در ذهن خود تصور کند. بنابراین برای همین مثال سقیفه باید منبعی داشته باشد که فارغ از نقد و تحلیل و رد و اثبات، خود واقعه را روایت کرده باشد که در این باره می‌توان به قسمتی از کتاب تشیع در مسیر تاریخ نوشته مرحوم استاد سیدحسین محمدجعفری مراجعه کرد که واقعه سقیفه را از ابتدا تا انتها مشابه یک فیلم‌نامه با ذکر گفت‌وگوهای اشخاص مهم و تأثیرگذار در این واقعه نوشته است. البته این هنر دبیر است که برای تدریس قسمت‌های مهم از درس خود چنین منابعی را شناسد یا شناسایی کند.

در گام بعدی می‌تواند روایت‌هایی جذاب و کمتر شنیده‌شده از واقعه مورد بحث را ارائه کند که اولاً تصویر کامل‌تری در ذهن دانش‌آموز شکل بگیرد و ثانیاً این تصویر در ذهن او ماندگار شود و حتی می‌تواند با انتخاب درست و دقیق گزارش‌ها ذهن دانش‌آموز را درگیر تحلیل تاریخ و فهم چرایی‌ها کند. امروزه با انواع و اقسام نرم‌افزارها و وبگاه‌ها و امکان جست‌وجو، یافتن چنین روایت‌هایی چندان دشوار نیست. برای مثال درباره همین سقیفه می‌توان با کمک نرم‌افزارهای نور، مانند تاریخ ایران اسلامی و جغرافیای جهان اسلام، مطالبی جذاب به فارسی یافت و برای دانش‌آموزان ارائه داد. یک نمونه جالب، کتابی از رضاقلی‌خان هدایت با عنوان سفارت‌نامه خوارزم است. محمد امین خان، والی خبوه که خود را خوارزم‌شاه می‌خواند، در سال ۱۲۶۸ ق آق‌قویونلو محرم را با چند نفر و با بعضی هدایا به دربار قاجار فرستاد و

از قدیم گفته‌اند و شنیده‌ایم که «شنیدن کی بود مانند دیدن؟»، اما واضح است که دبیر تاریخ نمی‌تواند همه وقایع تاریخی را برای دانش‌آموزان به تصویر بکشد و درباره همه وقایع و حتی وقایع مشهور هم فیلم سینمایی وجود ندارد و اگر هم باشد لزوماً منطبق بر تاریخ یا فهم دبیر از تاریخ یا متن کتاب درسی نیست. با وجود این، اگر دبیر بتواند واقعه‌های تاریخی را هرچه تصویری‌تر برای دانش‌آموزان عرضه کند، موفق‌تر است. اما چگونه؟ یک راهش استفاده از اطلس و نقشه است که محل واقعه را نشان بدهد. برای مثال درباره غزوه خیبر، با استفاده از کتاب اطلس غزوات رسول خدا(ص) محل دقیق خیبر را نشان بدهد یا نقشه‌های را از نرم‌افزارهای نور، مانند دانشنامه نبوی یا جغرافیای جهان اسلام انتخاب کند یا نقشه‌های معتبر از اینترنت بیابد. در گام بعدی باید تصویرهایی از خرابه‌های قلعه خیبر نشان دهد که در همان کتاب اطلس غزوات و سایر منابع فوق یافت می‌شوند. فرض کنید دبیر تاریخ قرار است درباره واقعه سقیفه بنی‌ساعده تدریس کند. برای این کار با رجوع به کتاب مدینه‌شناسی اثر مرحوم استاد سید محمدباقر نجفی می‌تواند محل دقیق سقیفه را شناسایی و روی نقشه مدینه به دانش‌آموزان نشان دهد، سپس با جست‌وجویی در اینترنت، تصویرهایی از وضعیت فعلی سقیفه بیابد و آن‌ها را هم در برابر دیدگان دانش‌آموزان قرار دهد. دبیر هنگام نشان دادن نقشه و تصویرها باید به خوبی مکان مورد بحث را توصیف کند. برای نمونه درباره سقیفه بگوید: «سقیفه از ریشه سقف است به معنای سایبان و به بنای سقف‌داری گفته می‌شود که ایوان هم داشته باشد. برخی از طوایف عرب یا شاید همه آن‌ها چنین جایی برای تصمیم‌گیری و مشورت در کارهای عمومی داشتند. دارالندوه در مکه همین کارکرد را برای قبیله قریش داشت. سقیفه بنی‌ساعده ایوان سقف‌داری بود که در مدینه متعلق به طایفه بنی‌ساعده، یکی از شاخه‌های خزرج بود و

ودمانند دیدن؟

دکتر سعید طاووسی مسرور

جماعت مباحثه نمایند غالب شوند. از جمله گویند که: در مرض موت، حضرت رسول الله (ص) قلمدان و قرطاس بخواستند که وثیقه و وصیت‌نامه نگارند که امت گمراه نشوند. عمرین خطاب صریحاً منع نمود و این خود مشهور است. دیگر گویند که: اگر ایشان را به حضرت رسول الله (ص) ارادت و اخلاصی بود، چرا آن حضرت را بعد از رحلت بر زمین گذاشتند، به سقیفه بنی ساعده تاختند و مردم را به خلافت خود مجبور و مأمور ساختند؟ از آن گذشته، اگر خلافت به وصیت است، حضرت رسول (ص) در غدیر خم علی (ع) را نصب فرموده بود، چرا تمکین نکردند؟ و اگر به اجماع عامه است، چرا ابوبکر به اجماع وانگذاشته، در خلافت عمر تصریح و حکم کرد؟ و اگر وصیت صحیح است، چرا عمر امر را بعد از خود به شورا واگذاشت؟ نه وصیت و نه اجماع را حجت دانست. مثلی در ایران مشهور است که یک بام و دو هوا نخواهد بود. از این قرار یک بام به چندین هوا اتفاق افتاده است و این طایفه امامیه حب رسول و آل او را مایه نجات دانند و به دوازده امام قائل‌اند و بر وفق آیات و اخبار عمل نمایند. و در این قوم زهاد و عباد و علما و فضلا بسیارند. خان خوارزم چون این سخنان را شنید لختی تعقل و تفکر نموده، گفت: عجب ارادتی به علی بن ابی طالب دارند.»

واضح است این پرسش‌هایی که هدایت به آن‌ها اشاره کرده، چنان که خان خویه را به فکر فروبرده، فکر دانش‌آموزان را نیز به خود مشغول خواهد کرد و آنان بعد از مرور ماجرای سقیفه در ذهنشان و مشاهده تصویر ذهنی آن، وارد فهم و تحلیل این واقعه خواهند شد (البته با راهنمایی دبیر). غرض اینکه بسنده کردن به متن کتاب درسی و توضیح اجمالی آن، بعید است به یادگیری دانش‌آموزان بینجامد و چنان که آمد، دبیر باید متن کتاب درسی را تصویری کند، چون از قدیم گفته‌اند: «شنیدن کی بود مانند دیدن؟»

ناصرالدین شاه به صلاح‌دید امیر کبیر، رضاعلی خان هدایت (درگذشته ۱۲۸۸ق) را مأمور ساخت تا عازم خویه شود و با خان خویه درباره اسیران ایرانی و اوضاع سیاسی خوارزم مذاکره کند؛ علاوه بر آن، هدایت به‌طور سرتی نیز مأموریت داشت تا قدرت نظامی و نحوه کشورداری خان خویه را هم بررسی کند. هدایت شرح سفر خود را در این کتاب نوشته است. گفت‌وگوی هدایت و خان خویه به مسائل مذهبی در آن ایام هم کشیده است. هدایت که در این گفت‌وگو خود را به تقیه از شافعیان ایران معرفی کرده است، از زبان شیعیان امامی مذهب در ایران، انتقادی به منطق سقیفه بنی ساعده کرده که ظاهراً خان خویه پاسخی برای آن نداشته است. دبیر می‌تواند این گفت‌وگو را بخواند و خلاصه آن را برای دانش‌آموزان به زبان ساده شرح دهد تا دانش‌آموز به آن فکر کند و ذهنش وارد تحلیل یک واقعه تاریخی بسیار مهم مانند سقیفه شود.

بخشی از گفت‌وگوی هدایت و خان خویه را در اینجا می‌آورم تا روشن شود که چگونه نقل یک واقعه تاریخی رخ داده در دوره قاجار می‌تواند موجب جذابیت بیشتر تاریخ صدر اسلام و فهم بهتر آن شود و نیز به دانش‌آموز نشان دهد، همان‌طور که در دوره قاجار بعد از گذشت چندین سده هنوز از مسائل صدر اسلام گفت‌وگو می‌شده، امروز هم این نیاز هست. هدایت به خان خویه می‌گوید:

«من بنده در فارس نشوونما یافته‌ام و به سواحل و بنادر آنجا مکرر شتافته‌ام، قریب سی‌هزار نفر شافعی مذهب در آن نواحی هستند و همچنان در لارستان و سایر بلوکات فارس اهل سنت و جماعت بسیارند و کمال فراغت و آرام دارند، من نیز در میان آن‌ها زیسته‌ام و بر آن عقیده‌ام و غرضی در مطالب مذاهب ندارم؛ اما طایفه‌ای در ایران هستند که آن‌ها را امامیه گویند و در بعضی امورات حق با ایشان است و هر وقت که با علمای اهل سنت و